

مباحثه ای با
جریان کمونیست بین المللی:
طبقه کارگر یا توده ها؟



در دفاع از مارکسیسم

صدای انترناسیونالیستی

بحث و مناظره برای انترناسیونالیستها حیاتی، ضروری و لازم است. جنبش انقلابی نمی‌تواند قدمهای موثری بر دارد مگر اینکه انترناسیونالیستها نقشی پویا و دینامیک در تکامل این جنبش داشته باشند. این تنها از طریق جدل و مباحثه از دیدگاههای متفاوت درون فضای سیاسی پرولتری امکان پذیر است.

آدرس سایت و ایمیل صدای انترناسیونالیستی به قرار زیر است:

سایت:

www.internationalistvoice.org

ایمیل:

contact@internationalistvoice.org

تلگرام:

<https://t.me/intvoice>

انقلاب کمونیستی یا نابودی بشریت!

فهرست مطالب:

۴.....	مقدمه
۹.....	فرهنگ مباحثه
۱۲.....	نقد حلقه های ضعیف
۱۴.....	متروپل و پیرامون
۱۹.....	اعتراضات مردمی خیابانی
۲۱.....	زمینه و افق اعتراضات مردمی
۲۵.....	بی اعتنائی به اعتراضات مردمی یا افق پرولتری
۲۸.....	اعتراضات خیابانی بر علیه روحانیت
۲۹.....	سایه ناسیونالیسم بر اعتراضات مردمی
۳۳.....	اعتراضات علیه اتحادیه های کارگری
۳۷.....	تقسیم کاذب میان اعتراض و اعتصاب
۳۹.....	از ریل خارج شدن صدای انترناسیونالیستی
۴۴.....	سرکوب یا آگاهی طبقاتی
۴۷.....	فرار از پاسخ
۵۰.....	جلیقه زردها
۵۳.....	مبارزه طبقاتی و جریان کمونیست بین المللی
۶۲.....	یادداشت ها:
۶۵.....	خطوط اصلی مواضع:

"حرف برسر این نیست که این این یا آن پرولتاریا، یا حتی کل پرولتاریا در حال حاضر چه چیزی را به مثابه هدف خود تلقی می‌کند. مسئله بر سر این است پرولتاریا چیست، و بر وفق این هستی، از لحاظ تاریخی مجبور به انجام چه کاری هست." [مارکس خانواده مقدس - فصل چهار]

مقدمه

جریان کمونیست بین‌المللی [۱] یکی از جریانات اصلی کمونیست چپ است که به لحاظ تاریخی متعلق به کمونیست چپ بوده است. جریان کمونیست بین‌المللی و گرایشی که این جریان از آن بوجود آمده، همواره از مواضع پرولتری دفاع کرده است، بخصوص در دوران سیاه ضد انقلاب. ما هر گونه حمله به جریانات کمونیست چپ را، حمله به خود ارزیابی کرده ایم، البته جریاناتی که ما آنها را کمونیست چپ ارزیابی می‌کنیم، به همین دلیل است که ما همواره و در صورت لزوم با رفقا (جریان کمونیست بین‌المللی، گرایش کمونیست انترناسیونالیست و...) اعلام همبستگی کرده ایم. آخرین مورد این همبستگی، نوشته ای است تحت عنوان "بی اعتبار کردن انقلابیون در خدمت دولت سرمایه"

واکنشی بود به لجن پراکنی و بی اعتبار کردن جریان کمونیست بین‌المللی و اینکه گویا جریان کمونیست بین‌المللی توسط سیا ساخته شده است. اگر چه ما از ماهیت پرولتری جریان کمونیست بین‌المللی دفاع می‌کنیم و مواضع پایه‌ای آن را پرولتری و کمونیستی ارزیابی می‌کنیم، اما در رابطه با ۳ مسئله منتقد جریان کمونیست بین‌المللی بوده‌ایم.

• آگاهی طبقاتی و سازمان انقلابی - ما قبلاً به شکل سری مقالات،

نقدهائی را در این زمینه منتشر کرده‌ایم، سری مقالات بزودی با ویرایش جدید و با مقدمه جدید به شکل یک جزوه منتشر خواهد شد. نکته حائز اهمیت در این رابطه این است که مواضع پایه‌ای جریان کمونیست بین‌المللی در این رابطه اشتباه نیست بلکه ابهاماتی دارد. نکات زیر از مواضع جریان کمونیست بین‌المللی در رابطه با آگاهی طبقاتی و سازمان انقلابی درست است:

▪ ضرورت حزب کمونیست اترناسیونالیست جهانی برای

پیروزی انقلاب کمونیستی

▪ دیکتاتوری پرولتاریا، دیکتاتوری طبقه کارگر از طریق

شوراهای کارگری است، نفی دیکتاتوری حزبی

▪ سازمان انقلابی بخشی از طبقه و حزب محصول مبارزه

طبقه‌ای است

▪ علیرغم این مواضع درست، جریان کمونیست بین‌المللی

ابهاماتی در رابطه با آگاهی طبقه‌ای، نقش و عملکرد

سازمان انقلابی دارد و عملاً نقش، وظایف و عملکرد

خود را تا سطح یک انتشاراتی انقلابی تنزل می‌دهد.

علت اصلی بحران‌های درونی که جریان کمونیست

بین‌المللی داشته است، ناشی از ابهام در این مسئله بوده

است.

• **چپ سرمایه** - جریان کمونیست بین‌المللی بر طبق مواضع پایه‌ای خود

چپ سرمایه را متعلق به اردوی بورژوازی می‌داند اما در عمل بارها

ابهامات خود را در این زمینه نشان داده است. ما نقد خود را در رابطه با،

رابطه جریان کمونیست بین‌المللی و اتحاد مبارزان کمونیست به شکل

علنی منتشر کرده‌ایم.[۲] بخش زیادی از نقد‌ها در این زمینه مستقیماً به

جریان کمونیست بین‌المللی ارسال شده بدون اینکه انتشار علنی یافته

باشند.

• **اعتراضات مردمی** - پس از جنبش سبز در سال ۱۳۸۸ و موضع گیریهای

جریان کمونیست بین‌المللی تحت عنوان مقدمه ای بر مقاله ما "مبارزه طبقاتی تنها آلترناتیو برای طبقه کارگر" که در سایت خود منتشر کردند، مقاله "دو جنبش، دو افق، تشدید مبارزه طبقاتی تنها آلترناتیو" را در نقد جریان کمونیست بین‌المللی نوشتیم. پس از اعتراضات مردمی دی ماه در ایران و بدنبال آن در اردن و عراق، جریان کمونیست بین‌المللی چهار مقاله منتشر کرد:

- عراق: راهپیمایی علیه ماشین جنگی [۳]
- مبارزه طبقاتی در اقتصاد جنگی اردن [۴]
- تظاهرات در ایران: نقاط قوت و ضعف جنبش [۵]
- ایران: مبارزه میان جناحهای بورژوازی یک خطر برای طبقه کارگر است [۶]

متأسفانه هر چهار مقاله بدون کوچکترین تحقیق و با اشتباهات بسیاری هم از زاویه بحث اثباتی و هم از زاویه بحث اقناعی نگاشته شده بودند. انتشار این مقالات نه تنها به روشن شدن فضای سیاسی پرولتری کمکی نمی‌کردند بلکه ابهامات زیادی را نیز بوجود می‌آوردند. به جای بررسی هر ۴ مقاله، منطقی آن دیدیم، که حوادث اجتماعی اتفاق افتاده در هر سه کشور را با توجه به واقعیت‌های رخ داده،

به تصویر بکشیم و این می‌توانست یک نقد سازنده باشد. این کار را کردیم و مقاله ای تحت عنوان "تداوم اعتراضات خیابانی در بربریت سرمایه‌داری - تنها آلترناتیو مبارزه طبقاتی است" را منتشر کردیم. امیدوار بودیم، جریان کمونیست بین‌المللی، به شکل جدی به مسائل مطرح شده برخورد کند و به شفافیت فضای سیاسی پرولتری کمک کند. بخصوص اینکه رفقا در طول ۱۰ سال گذشته بارها قول داده بودند، جواب نقدهای ما را خواهند داد. سرانجام پس از ده سال جریان کمونیست بین‌المللی سکوت خود را شکست و پاسخ ما را داد. ظاهراً هم توقع ما و هم انتظار ۱۰ ساله ما بی‌مورد بوده است. جریان کمونیست بین‌المللی با نوشته ای غیر جدی تر از نوشته های قبلی و با اشتباهات فراوان تحت عنوان "صدای انترناسیونالیستی و اعتراضات در خاورمیانه"، عملاً دسته گل به آب داد. پیش از ادامه بحث، شفافیت چند مسئله برای ادامه بحث ضروری است.

برخلاف لجن‌پراکنی‌های سال‌های اخیر که گویا جریان کمونیست بین‌المللی ماهیت انقلابی خود را از دست داده است، ما همواره بر ماهیت پرولتری جریان کمونیست بین‌المللی تاکید کرده و می‌کنیم و مباحثه ما با رفقا، در هر ۳ زمینه به سال‌های قبل برمی‌گردد.

نکته دیگر این که ما بین مبارزات مردمی و مبارزات طبقه کارگر تمایز قائل می‌شویم. مبارزات مردمی اشاره شده در این نوشته، در رابطه با مورد ایران، همان

اعتراضات دی ماه ۱۳۹۶ است. برای اطلاع بیشتر از مواضع صدای انترناسیونالیستی در رابطه با مبارزات کارگری به جمعبندی ما از اعتصابات و اعتراضات کارگری اخیر تحت عنوان "درس‌هایی از اعتصابات و مبارزات کارگری و وظایف انترناسیونالیستی" مراجعه شود.

فرهنگ مباحثه

بحث و مناظره برای انترناسیونالیستها حیاتی، ضروری و لازم است. جنبش انقلابی نمی‌تواند قدم‌های موثری بر دارد مگر اینکه انترناسیونالیستها نقشی پویا و دینامیک در تکامل این جنبش داشته باشند. این تنها از طریق جدل و مباحثه از دیدگاه‌های متفاوت درون فضای سیاسی پرولتری امکان پذیر است. هدف بحث باید در راستای کمک به شفافیت فضای سیاسی پرولتری باشد، بحث هر هدفی جز این داشته باشد، در خدمت شفافیت و تکامل فضای سیاسی پرولتری نیست. در مباحثه پیروز و یا بازنده ای وجود ندارد و یا بهتر گفته باشیم، پیروزی در مباحثه زمانی حاصل می شود که مباحثه به شفافیت فضای سیاسی پرولتری منجر شود و ناکامی زمانی است که از طریق آن مباحثه به سردرگمی فضای سیاسی پرولتری دامن زده شود. جریان کمونیست بین‌المللی به درستی بر فرهنگ مباحثه همچون

سلاح مبارزه طبقاتی تاکید می ورزد.[۷] جریان کمونیست بین‌المللی همچنین مقالاتی در رابطه با اخلاق و مارکسیسم منتشر کرده است.[۸]

سوال اساسی این است جریان کمونیست بین‌المللی چقدر به مسائل مطرح شده در این مقالات متعهد بوده است؟ چنگ انداختن به اخبار نادرست و جعلی، بازتاب نشریات بورژوائی و فرار از دادن یک پاسخ مسئولانه، محتوای "پاسخ" جریان کمونیست بین‌المللی را تشکیل می‌دهد. جریان کمونیست بین‌المللی علاقه ای به "پاسخ" ندارد و آسان‌ترین راه را برگزیده است، ارائه تصویر نادرست از مواضع صدای انترناسیونالیستی، تا راه را برای فرار از ندادن یک پاسخ جدی باز کند. ما در صفحات بعدی نشان خواهیم داد که این عملکرد جریان کمونیست بین‌المللی نه یک خطای سهوی بلکه یک عمل آگاهانه بوده است. البته جریان کمونیست بین‌المللی در ارائه تصویر نادرست از مواضع صدای انترناسیونالیستی همان قدر جدی بوده که در استدلال و منابعی که به آنها رجوع داده است.

هر جریان و گرایش فکری سعی دارد، مواضع و نظرات خود در سطح وسیع تری انتشار دهد و این مسئله نیز کاملاً منطقی است. اما سوالی که مطرح می‌شود، این است چرا جریان کمونیست بین‌المللی نقد خود به صدای انترناسیونالیستی را به زبان فارسی در سایت خود منتشر نمی‌کند؟ جریان کمونیست بین‌المللی نقد خود را ب زبان فارسی در اختیار دارد و عدم انتشار آن به زبان فارسی آگاهانه است. جریان

کمونیست بین‌المللی آگاهانه می‌خواهد، تعداد کمی از مضمون نوشته او آگاهی داشته باشند، چرا که مضمون نوشته برای کسانی که به تحولات منطقه آشنائی دارند، موضع مغشوش جریان کمونیست بین‌المللی را بوضوح نشان می‌دهد.

برای ما کمونیسم چپ نه فقط تعدادی "مواضع سیاسی" بلکه اصول و ارزشهای پرولتری نیز هست. در راستای پایبندی به اصول و ارزش های پرولتری است که ما نقد خود را قبل از انتشار علنی، به اطلاع جریان مربوطه می‌رسانیم. این البته تنها شامل جریاناتی می‌شود که از نظر ما متعلق به کمونیست چپ هستند و در آینده نیز به این سنت وفادار خواهیم ماند.

مقابله با نفوذ ایدئولوژی های بورژوائی و خرده بورژوائی، بخصوص پس از سقوط جهان دو قطبی و شروع نظم نوین جهانی، اهمیت بیشتری پیدا کرده است. چرا که میزان نفوذ ایدئولوژی های بورژوائی و خرده بورژوائی در طبقه کارگر و سازمانهای سیاسی آن با مبارزه طبقاتی نسبت معکوس دارد. به عبارت بهتر در تشدید مبارزه طبقاتی نفوذ این ایدئولوژی ها کمتر و در دوران افت مبارزه طبقاتی میزان نفوذ آنها بیشتر است. لذا بخشی از وظایف خستگی ناپذیر انترناسیونالیستها باید صرف تحکیم ارزشهای پرولتری گردد که خود انعکاسی از آگاهی طبقاتی پرولتری است.

نقد حلقه های ضعیف

جریان کمونیست بین‌المللی در ارگان تئوریک خود مجله انترناسیونالیستی شماره ۳۱ به نقد تئوری "حلقه های ضعیف" پرداخته است.[۹] خلاصه بحث جریان کمونیست بین‌المللی این است که طرفداران حلقه ضعیف سرمایه‌داری، استدلال می‌کنند زنجیر در حال کشش از ضعیف‌ترین حلقه خود پاره می‌شود، لذا زنجیره سرمایه‌داری را راحت‌تر می‌توان از ضعیف‌ترین حلقه آن پاره کرد. جریان کمونیست بین‌المللی استدلال می‌کند که این نگرش مبتنی بر علم مکانیک است. قانون علم مکانیک را نمی‌توان به عرصه اجتماعی منتقل کرد. انقلاب اجتماعی نه یک حادثه مکانیکی بلکه واقعیتهای اجتماعی است. جریان کمونیست بین‌المللی استدلال می‌کند حتی در صورت پاره شدن ضعیف‌ترین حلقه سرمایه، امکان ایجاد قرنطینه از ضعیف‌ترین حلقه سرمایه وجود دارد اما اگر قلب و مغز سرمایه مورد حمله قرار گیرد، سرمایه قادر به ایجاد قرنطینه نخواهد بود، چرا که تکامل یافته‌ترین پرولتاریا با قدرتمندترین بورژوازی روبرو می‌شود. لذا استدلال می‌کرد (مقاله در سال ۱۹۸۲ نوشته شده است) پرولتاریای اروپای غربی در مرکز مبارزه طبقاتی قرار دارد.

علیرغم مفید بودن این نقد، متأسفانه اعمال این تئوری در عمل توسط جریان کمونیست بین‌المللی موجب شد، جریان کمونیست بین‌المللی بیش از اندازه بر اهمیت متروپل سرمایه‌داری توجه کند. این عملکرد یک تصویر نادرست از جریان کمونیست بین‌المللی ارائه می‌داد. سوای از ماهیت ضد انقلابی و بورژوائی اتحاد مبارزان کمونیست، در گزارشی که از رابطه خود با جریان کمونیست بین‌المللی در اوایل دهه ۱۹۸۰ ارائه می‌دهد، از بی توجهی جریان کمونیست بین‌المللی به مبارزات کارگران در کشورهای تحت سلطه تأکید می‌کند و چنین می‌نویسد:

"دیگر جریانی است بنام «جریان کمونیست بین‌المللی» که نشریه‌ای بنام «انقلاب جهانی» منتشر می‌کند. این جریان برای اولین بار یکی از اعلامیه‌های ا.م.ک را به انگلیسی چاپ نمود و ما را در تماس با چند جریان دیگر قرار داد. ولی بی توجهی کامل این رفقا به مبارزات کارگران و زحمتکشان در کشورهای تحت سلطه و عدم درک لنینی از امپریالیسم و مسئله تشکیل حزب و غیره تفاوت نظرهای قابل توجهی را با جنبش کمونیستی ایران بوجود می‌آورد." [۱۰]

اواخر دهه ۱۹۹۰ و اوایل دهه ۲۰۰۰ جریان کمونیست بین‌المللی توسط محافظی که به کمونیست چپ علاقه و تمایل نشان می‌دادند، به اروپا مرکزی و

حتی راسیسم متهم می‌شد. البته جریان کمونیست بین‌المللی این اتهامات را نفی می‌کرد. اگر چه این اتهامات با تکیه بر مباحث جدی مطرح نمی‌شدند، اما در عمل جریان کمونیست بین‌المللی قادر به پیشروی خود در سرمایه پیرامونی نبود.

بعداً جریان کمونیست بین‌المللی عملاً این سیاست خود را تغییر داد تا قادر به پیشروی خود در سرمایه پیرامونی نیز بشود. متأسفانه سیاست جدید با ابهام بیشتری همراه بود، بخصوص با شروع اعتراضات در کشورهای "عربی" جریان کمونیست بین‌المللی اعلام کرد "اعتراضات مردمی" تبلور مبارزه طبقاتی است. به ابهامات و تناقضات جریان کمونیست بین‌المللی در رابطه با اعتراضات مردمی خیابانی بزودی بر می‌گردیم. پیش از ادامه بحث، ضروری است تأکید شود، علیرغم اعمال غیر منطقی جریان کمونیست بین‌المللی از نقد تئوری حلقه ضعیف در پراتیک، زیان آن سیاست کمتر از سیاست جدید جریان کمونیست بین‌المللی مبنی بر اینکه "اعتراضات مردمی" تبلور مبارزه طبقاتی است، بود.

متروپل و پیرامون

رفقا در ادبیات خود از مرکز و پیرامون برای توصیف سرمایه‌داری استفاده می‌کنند. استفاده از واژه «مرکز» می‌تواند به ایجاد سوتفاهم در سرمایه پیرامونی، در رابطه با سنت و مواضع انترناسیونالیستی بینجامد که گویا "مرکز" ارجحیت بیشتری

نسبت به پیرامون دارد. ما از متروپل و پیرامون برای توصیف سرمایه‌داری استفاده می‌کنیم، همان منظور را با ادبیات و درک بهتری می‌رساند. "مرکز" شاید "اروپای مرکزی" را در ذهن کسانی که بسوی مواضع انترناسیونالیستی می‌آیند، تداعی کند. ما فعلاً از ریشه راسیستی "مرکز" که خود را مرکز جهان هستی میداند و واژه‌های خاور میانه، خاور دور، باختر و غیره بر مبنای فاصله جغرافیائی از آن شکل گرفته‌اند می‌گذریم.

جریان کمونیست بین‌المللی ادعا میکند که کارگران خاورمیانه از جنگ‌های امپریالیستی و درگیری‌های قومی به ستوه آمده‌اند و دشواری خاصی در ایجاد افق سیاسی دارند که به سوی جامعه کمونیستی نگاه کند و چنین می‌نویسند:

"کارگران خاورمیانه که از جنگ‌های امپریالیستی و درگیری‌های قومی به ستوه آمده‌اند، دشواری خاصی در ایجاد افق سیاسی دارند که به سوی جامعه کمونیستی نگاه کند و نمی‌توانند این کار را جدا از گردان‌های مرکزی طبقه کارگر در قلب سرمایه انجام دهند." [۱۱]

این واقعیت که استالینیزم توسط طبقه کارگر به زیر کشیده نشد بلکه در رقابت با دمکراسی از هم پاشید، هم توهمات دمکراتیک را در طبقه کارگر دامن

زده است و هم به نوعی به مشوش شدن آگاهی طبقاتی، طبقه کارگر در سطح جهانی منجر شده است. نتیجه آن یک عقب گرد، یک پس روی در مبارزه طبقاتی، در سراسر کره خاکی پس از فروپاشی بلوک دو قطبی بوده است. طبقه بورژوازی یک طبقه جهانی است و به تبع آن طبقه کارگر نیز یک طبقه جهانی است، لذا مبارزه طبقه کارگر نیز جهانی است و برای ما تفکیک مبارزه طبقاتی در سرمایه پیرامونی و یا سرمایه متروپل مفهومی ندارد. مبارزه طبقاتی بر خلاف "مبارزات مردمی" بخاطر ماهیت ضد سرمایه‌داری خود به دیگر مناطق تاثیر خواهد گذاشت.

با این توضیحات به جمله جریان کمونیست بین‌المللی برمیگردیم. قسمت دوم جمله تقریباً درست است اما قسمت اول جمله ابهام دارد. اینکه پرولتاریای سرمایه پیرامونی جدا از گردان‌های طبقه کارگر در سرمایه متروپل قادر به ایجاد افق انقلاب کمونیستی نیست، درست است. اما اینکه کارگران خاورمیانه دشواری خاصی در ایجاد افق سیاسی در این راستا را دارند، واقعیت مبارزه طبقاتی کارگران در سال اخیر در ایران عکس اظهارات جریان کمونیست بین‌المللی را نشان می‌دهد. جریان کمونیست بین‌المللی چطور توضیح می‌دهد، طبقه کارگر در ایران در قیاس با فرانسه که از سنت مبارزاتی پایینی برخوردار است، چطور هزاران کارگر در خیابان شعار «نان، کار، آزادی، اداره شورائی» می‌دهند یا اینکه علیرغم حدود ۴۰ سال

جنگ در عراق، تعداد اعتراضات کارگری، چه به شکل اعتصاب و یا اعتراض در عراق بیشتر از مغولستان بوده و در ایران بیشتر از پرتغال بوده است.

ابهام دیگر در اظهارات جریان کمونیست بین‌المللی این است که کارگران سرمایه پیرامونی که از جنگ‌های امپریالیستی و درگیری‌های قومی به ستوه نیامده‌اند، قادر خواهند بود وفق سیاسی به سوی جامعه کمونیستی پیدا کنند.

اظهار نظر جریان کمونیست بین‌المللی می‌تواند این ناروشنی را بوجود آورد که در یکی از پیشرفته‌ترین جزایر متروپل چون بریتانیا و یا به قول جریان کمونیست بین‌المللی در مرکز، طبقه کارگر قادر به ایجاد افق سیاسی جامعه کمونیستی خواهد بود. حتی در سرمایه متروپل، حتی پیشرفته‌ترین و با تجربه‌ترین پرولتاریا در **درون مرزهای ملی** به تنهایی قادر به ایجاد افق جامعه کمونیستی نخواهد بود.

یک مورد دیگر در نفی ادعای جریان کمونیست بین‌المللی، عروج مبارزات کارگری در سال ۱۹۸۰ در لهستان بود. در سرمایه پیرامونی، پرولتاریای لهستان شروع به مبارزه کرد، پرولترهای مبارزی که می‌خواستند از دست این دنیای وارونه خلاص شوند. قیافه‌های مصمم آنها هرگز فراموش نخواهد شد. مبارزه طبقاتی سراسر لهستان را فرا گرفت. اما سرانجام دیدیم که چطور لُخ والسا دست پاپ را بوسید، پاپ که نماد ایدئولوژی سرمایه است. دو فاکتور اساسی برای شکست

پرولتاریای لهستان وجود دارد. اولی محبوس شدن مبارزه طبقاتی در درون مرزهای ملی و دومی فقدان یک سازمان انقلابی که آگاهی طبقاتی را تکامل و عمق ببخشد و یک رهبری سیاسی برای پرولتاریا ایفا کند.

توضیحات بالا را به این شکل میتوان جمعبندی کرد، چون جامعه طبقاتی است، پس مبارزه طبقاتی وجود دارد، اگر چه در دو دهه اخیر مبارزه طبقاتی بشدت تدافعی بوده است. سرمایه‌داری یک نظام جهانی است و به تبع آن پرولتاریا نیز یک طبقه جهانی است. با توجه به فاکتورهای متعددی چون تمرکز پرولتاریا، سنت مبارزاتی، حافظه تاریخی پرولتاریا و غیره مبارزه پرولتاریا میتواند در سرمایه پیرامونی حتی شکل رادیکال‌تر بخود بگیرد، اما برای تکامل مبارزه به سطحی عالی‌تر نیازمند شکستن مرزهای ملی است. تشدید مبارزه طبقاتی در اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ نه فقط سرمایه متروپل بلکه سرمایه پیرامونی را نیز فرا گرفته بود. موج انقلاب جهانی ۱۹۲۳ - ۱۹۱۷ که بیانگر اوج مبارزه طبقاتی بود نه فقط سرمایه متروپل بلکه سرمایه پیرامونی را نیز نشانه گرفته بود و در آینده نیز چنین خواهد بود.

اعتراضات مردمی خیابانی

جریان کمونیست بین‌المللی، غیر مسئولانه در نوشته اش می‌خواهد القاء کند که گویا صدای انترناسیونالیستی مخالف اعتراضات خیابانی کارگری است، بدون اینکه قادر شود به نوشته ای یا موضعی از صدای انترناسیونالیستی ارجاع دهد. تنها کلی گوئی کرده تا وارد بحث جدی نشود. ما با موضع رفقا که هر گونه مبارزه کارگری نخواهد به خیابان ها بیاید نمی‌تواند به گسترش مبارزه طبقاتی بیانجامد، کاملاً موافق هستیم. رفقا می‌نویسند:

"در واقع ما می‌توانیم بگوییم که هر گونه مبارزه کارگری که **نخواهد** به خیابان ها بیاید، نمی‌تواند به یک وحدت طبقاتی گسترده تر برسد." [۱۲]

جریان کمونیست بین‌المللی پس از بیان موضع کاملاً درست بالا، ابهام خود را در جمله زیرین نشان می‌دهد. بخش اول جمله کاملاً صحیح است، جریان کمونیست بین‌المللی می‌نویسد:

"اما یک طبقه که نخواهد برای شرایط اساسی زندگی خود مبارزه کند، انقلابی نیز نخواهد کرد و **اعتراضات خیابانی از لحاظ تاریخی همواره بخشی از مبارزه طبقاتی بوده است.**" [۱۳] [تاکید از ما]

کدام اعتراضات خیابانی از لحاظ تاریخی همواره بخشی از مبارزه طبقاتی بوده است؟ اعتراضات خیابانی راسیست‌ها بخشی از مبارزه طبقاتی بوده است؟ اعتراضات خیابانی جریانات مرتجع مذهبی بخشی از مبارزه طبقاتی بوده است؟ اعتراضات خیابانی نیروهای بورژوائی علیه جناح دیگر بخشی از مبارزه طبقاتی بوده است؟ اعتراضات خیابانی و ملیونی مردمی که به سیاهی لشکر جناحی از بورژوازی تبدیل شده اند (سال ۱۳۸۸ ایران و یا ونزوئلا اخیرا)، بخشی از مبارزه طبقاتی بوده است؟ اعتراضات خیابانی فمنیست‌ها بخشی از مبارزه طبقاتی بوده است؟ منظور از اعتراض خیابانی چیست؟

اگر اعتراضات از محل کار و یا از محل اعتراض، که می‌تواند خیابان نیز باشد با **خواسته‌های طبقاتی** شروع شود و سپس اعتراضات به خیابان‌ها گسترش پیدا کند، یک جنبش طبقاتی پرولتری است. اما اگر اعتراضات مردمی عمومی با خواسته‌های مردمی در خیابان شروع شود، یک جنبش مستقل طبقاتی نیست. اگر کارگران کارخانه و یا دیگر محل‌های کار به تبعیت از اعتراضات مردمی قرار گیرند، آن موقع کارگران بعنوان سیاهی لشکر در جنبش‌های اجتماعی طبقات اجتماعی دیگر دخیل شده اند.

طبقه کارگر فقط شامل کسانی نیست که در محل کار حضور دارند. بیکاران بخشی از طبقه کارگر هستند که بخاطر شرایط ویژه خود قادر نیستند

اعتراض خود را از طریق اخلال در انباشت سرمایه بیان کنند، بلکه ناچار هستند اعتراض خود را به خیابان و یا دیگر جاها بکشانند. اعتراض خود را به خیابان می کشانند تا در وهله اول همبستگی طبقاتی برادران و خواهران هم طبقاتی خود را بدست بیاورند و مبارزه را به دیگر بخش ها گسترش دهند. گسترش مبارزه طبقاتی، ضامن پیروزی آن است. یک نمونه بسیار واضح این شکل از مبارزه طبقاتی، جنبش بیکاران در سال ۱۳۵۸ است که خیابان ها زیر پای کارگران معترض به لرزه درآمده بود و مبارزات کارگران بیکار در خیابان ها بخش مهمی از مبارزه طبقاتی بود.

زمینه و افق اعتراضات مردمی

ما اعلام کرده ایم، سرمایه داری منشا بردگی مزدی، استثمار، بیگانگی انسان از انسان است. سرمایه داری بوی خون، کثافت، لجن و جنگ میدهد، سرمایه داری منشا تمامی بدبختی ها و مشقات نه تنها برای طبقه کارگر، بلکه برای کل بشریت است.

اینکه نه تنها برای طبقه کارگر بلکه برای اکثریت مردم در سوریه، عراق و... زندگی به مفهوم واقعی کلمه یک جهنم حقیقی و زمینی است، نه بخاطر رهبران جنایتکار و دیکتاتورمنش بلکه محصول سرمایه داری است. برای ما منشاء خودبیگانگی انسان، فجایع محیط زیستی، زلزله و ... سرمایه داری است. اما واکنش

به سرمایه‌داری نیز مهم است، اینکه طبقه کارگر، در قلب تپنده سرمایه به سیرک انتخاباتی کشیده شده و به جنایت کاری چون ترامپ رای می‌دهد و یا پیشروی پوپولیسم بخصوص در سرمایه‌داری متروپل، البته در سرمایه‌داری پیرامونی نیز در حال پیشروی است بیانگر عقب نشینی طبقه کارگر از هویت طبقاتی خود است. عقب نشینی طبقه کارگر از هویت طبقاتی خود در سرمایه پیرامونی نیز همچون سرمایه متروپل، مشکلات جدی برای تکامل مبارزه طبقاتی بوجود آورده است. با این توضیحات به جریان کمونیست بین‌المللی برمیگردیم. جریان کمونیست بین‌المللی به وارونه جلوه دادن مواضع صدای انترناسیونالیستی ادامه می‌دهد و می‌نویسد:

"[موضع صدای انترناسیونالیستی] در مورد این موضوع تا حدودی متناقض است: آن می‌گوید که هیچ زمینه‌ای در آینده برای این تظاهرات وجود ندارد اما توضیح می‌دهد چگونه جوانان «نیروی اجتماعی لازم را برای اعتراضات خیابانی مهیا ساخته است» و جنبش را به طور کامل در بحران سرمایه‌داری و حملات آن قرار داده است." [۱۴]

ما از رفقا خواهشمندیم، منبع اظهار نظر "آن می گوید که هیچ زمینه‌ای در آینده برای این تظاهرات وجود ندارد" را به ما نشان دهند. ما کجا این را گفته یا نوشته ایم؟ ما نوشتیم:

"اعتراضات خیابانی از عواقب بحران سرمایه‌داری است، واقعیت این است که بحران سرمایه‌داری عواقب خود را مخرب‌تر از کشورهای متروپل در کشورهای پیرامونی سرمایه نشان می‌دهد و سرمایه‌داری متروپل در تلاش است تا بار بحران را به سرمایه‌داری پیرامونی منتقل کند. سیاست ریاضت اقتصادی، انجماد دستمزدهای واقعی، بیکارسازی‌های گسترده، قراردادهای موقت، سقوط استانداردهای زندگی و... از عواقب بحران سرمایه‌داری هستند." [۱۵]

و ادامه دادیم:

"تظاهرات خیابانی تهیدستان، در اعتراض به فقر، بیکاری، تورم و... اعتراض جوانانی است که از زندگی جهنمی موجود خسته شده‌اند و هیچ امیدی به آینده ندارند. انسانهایی که چیزی برای از دست دادن ندارند، اگر چه در اعتراض خود کورمال کورمال نیز به جلو می‌روند. سوای از ترکیب طبقاتی

نیروهای شرکت کننده، خواست‌ها و اهداف یک اعتراض، ماهیت آن جنبش را تعیین می‌کند." [۱۶]

اعتراضات مردمی با توجه به ماهیت خود می‌توانند در راستای متفاوت تکامل پیدا کنند. اگر در راستای مبارزه طبقاتی و در خدمت مبارزه طبقاتی قرار گیرند، قطعا به تکامل مبارزه طبقاتی کمک می‌کند. تمام تلاش اترناسیونالیست‌ها باید در این راستا باشد، یعنی در حد توان خود سعی کنند به اعتراضات مردمی جهت دهند تا در خدمت مبارزه طبقاتی قرار گیرد، بخصوص بخش رادیکال آن. اما اعتراضات مردمی می‌تواند در جهت ارتجاعی نیز تکامل یابد و در خدمت نیروهای سیاه و بورژوائی قرار گیرد و ماهیت مردمی خود را از دست بدهد و صد در صد ارتجاعی شود. در اعتراضات مردمی نیروهای ارتجاعی در کمین هستند که این اعتراضات را در خدمت منافع ارتجاعی و بربر خود قرار دهند. برای مثال اعتراضات مردمی که در کشورهای "عربی" شروع شد، نه تنها این اعتراضات ارتجاعی نبودند بلکه مترقی نیز بودند. اما همین اعتراضات مردمی که در لیبی و سوریه همانند دیگر کشورها شروع شده بود عملا در راستای تنش‌های امپریالیستی، برای تصویه حساب از همدیگر قرار گرفت و یک جهنم واقعی برای مردم ایجاد کرد. این نیروهای سیاه را در اعتراضات مردمی در هر سه کشور شاهد بودیم. این مسئله در اعتراضات

مردمی ایران آشکارتر از دیگر کشورها بود و گانگسترهای غربی-عربی در راستای منافع امپریالیستی خود سعی می‌کردند به آن دامن بزنند. جریان کمونیست بین‌المللی کوچکترین اشاره‌ای به اینها نمی‌کند و چشم خود را به اینها می‌بندد! وظیفه سازمان انقلابی در این رابطه چیست؟

بی‌اعتنائی به اعتراضات مردمی یا افق پرولتری

به باور ما پس از ورود سرمایه‌داری به عصر انحطاط خود، سرمایه‌داری نظام مسلط اقتصادی در سراسر این کره خاکی بوده است، به عبارت بهتر تضاد کار و سرمایه در همه جا حاکم بوده است. این بدان معنی است که طبقه کارگر در همه کشورها از جمله اردن نه تنها حضور دارد بلکه تنها طبقه انقلابی است. برخلاف جریان کمونیست بین‌المللی ما زمینه‌های شکل‌گیری اعتراضات مردمی در اردن را نتیجه بحران سرمایه که عواقب خود را در سرمایه پیرامونی مخرب‌تر نشان می‌دهد توضیح دادیم و با بررسی سیاستهای صندوق بین‌المللی پول، نقش عربستان در تنبیه اردن و سپس کمکهای مالی ۲,۵ میلیارد دلاری عربستان، امارات و کویت برای جلوگیری از سرایت اعتراضات و نقش اتحادیه‌های کارگری در تخلیه نارضایتی مردم را توضیح دادیم، نشان دادیم توصیف جریان کمونیست بین‌المللی از حوادث

بی اساس است. جریان کمونیست بین‌المللی تنها به کلی گوئی متوسل شده است و اظهار داشته است که صدای انترناسیونالیستی به تظاهرات و اعتصابات اردن بی اعتنا است و نقاط قوت هر دو را دستکم می‌گیرد:

"این مقاله نسبت به تظاهرات و اعتصابات اردن نسبتاً بی اعتنا است و نقاط قوت هر دو را دستکم می‌گیرد. همانند ایران و عراق، خواستهای معترضین در اردن به وضوح خواسته‌های مبارزه طبقه کارگر بود: شغل، مراقبت‌های بهداشتی، اجاره، خدمات، و علیه فساد (آخری به راحتی وارد این مجموعه شده اما در این زمینه بخشی از خشم طبقاتی بود). کارگران فعالانه به دنبال معترضان بودند و اتحادیه‌ها سعی در تقسیم کردن آنها داشتند و آنها را از اعتراضات دور نگه می‌داشتند." [۱۷]

برای ما، هر اعتراض طبقاتی و کارگری در هر کجای این کره خاکی از جمله اردن نه تنها امید بخش، دلگرم‌کننده بلکه مهم نیز هست. رفقا از واژه "اعتصابات" در رابطه با اعتراضات اردن استفاده کرده‌اند. اگر منظور رفقا اعتصابات کارگری است و نه اعتصابی که اتحادیه‌های کارگری در ژوئن ترتیب

دادند، لطفا لیست اعتصابات کارگری را ارائه دهند تا دیگران نیز از اعتصابات کارگری اردن آگاهی پیدا کنند. ما نوشتیم:

"برخلاف کسانی که با اطلاعات غلط و به هر قیمت سعی می‌کنند، اعتراضات خیابانی را به شیوه آنارشیستی تشدید مبارزه طبقاتی در اردن ارزیابی کنند و طبقه کارگر را به سیاهی لشکر اعتراضات خیابانی تبدیل کنند، باید واقع بین بود. طبقه کارگر اردن بعنوان یک طبقه اجتماعی یکی از ضعیف‌ترین طبقه کارگر خاورمیانه را دارد، هم به لحاظ تعداد، هم به لحاظ تمرکز صنایع و هم به لحاظ نبردهائی که پشت سر گذاشته و در حافظه تاریخی خود دارد." [۱۸]

این وظیفه انترناسیونالیست‌ها است که در حد توان خود حوادث اجتماعی را تجزیه و تحلیل کنند و در مقابل اعتراضات مردمی، که در آن همه شرکت می‌کنند، افق پرولتری خود را ارائه دهند. دنباله روی نه تنها از مردم بلکه از طبقه کارگر وظیفه سازمان انقلابی نیست. سازمان انقلابی خود باید قطب‌نمای مبارزه طبقاتی باشد، حتی انتشاراتی انقلابی نیز چنین وظیفه‌ای ندارد. کدام افق را جریان کمونیست بین‌المللی پیش روی بخش رادیکال اعتراضات مردمی قرار می‌دهد؟

اعتراضات خیابانی بر علیه روحانیت

جریان کمونیست بین‌المللی ادعا میکند که اعتراضات خیابان در هر سه کشور اردن، عراق و ایران بر علیه روحانیت بوده و چنین می‌نویسد:

"بنابراین خواسته‌های طبقاتی مطرح بود و پرولتاریا روش مبارزه را داشت و در حالی که یک انقلاب "کاملاً رادیکال" نبود، نشان دهنده شاخص‌های مهمی از مبارزه طبقاتی بود، به ویژه ضدیت با اتحادیه‌ها، نفی روحانیون در هر سه کشور و همچنین نفی 'فداکاری ملی'." [۱۹]

ما به ادعای ضدیت با اتحادیه‌ها و نفی فداکار ملی در هر سه کشور بزودی بر میگردیم و در اینجا بحث ما روی روحانیت است. این ادعای جریان کمونیست بین‌المللی فقط در رابطه با ایران صادق است و در رابطه با عراق و اردن درست نیست. بر مبنای کدام مدارک و حوادث، جریان کمونیست بین‌المللی چنین ادعائی می‌کند؟ نباید فراموش کرد آیت الله علی سیستانی مرجع تقلید شیعه و مقتدی صدر روحانی بانفوذ شیعه برای تاثیرگذاری بر اعتراضات حمایت خود را از اعتراضات خیابانی عراق اعلام کردند. معترضین که کنسولگری ایران را در بصره به آتش کشیدند، آن چنان تحت تاثیر احساسات مذهبی بودند، که قبل از لگدمال کردن

پرچم ایران زیر پای خود، ابتدا کلمه الله را از پرچم کردند و سپس لگد مال کردند، تا مبادا الله را لگد مال کرده باشند. نیازی به آشنائی به زبان عربی نیست، خود فیلم، واقعیت میزان مذهبی بودن این بخش از معترضین را نشان می‌دهد. [۲۰]

در اردن اعتراضات مردمی، محدودتر از عراق تحت تاثیر گرایشات مذهبی قرار داشت، اما همچنان شعارهای مذهبی مطرح بودند. برای مثال به پلاکاردهای حزب الشوری [۲۱] در همان عکس منتشر شده در مقاله جریان کمونیست بین‌المللی میتوان مراجعه کرد. در حمایت از اورشلیم و یا در رابطه با شهدا نیز نگرش مذهبی مطرح شده است. [۲۲] خوانندگان فارسی زبان، بدلیل عدم آشنائی به زبان عربی، احتمالا تصور خواهند کرد این شعارهای مذهبی، شعارهای رادیکالی هستند.

سایه ناسیونالیسم بر اعتراضات مردمی

ما قبلا توضیح دادیم که چنگ انداختن جریان کمونیست بین‌المللی به اخبار نادرست در راستای ارائه تصویر رادیکال از اعتراضات مردمی نه یک خطای سهوی بلکه نوعی عمل آگاهانه است. با شروع اعتراضات خیابانی در ایران رفقا نظر ما را در رابطه با این اعتراضات خواستند. ما نیز متن اولیه مقاله "اعتراضات خیابانی در بربریت سرمایه‌داری و مواضع انترناسیونالیستی" را برای رفقا ارسال

کردیم. در متن اولیه بزبان انگلیسی که به جریان کمونیست بین‌المللی ارسال شد، همچون متن زبان فارسی شعار "ما آریائی هستیم، عرب نمی پرستیم" در میان شعارها دیده می شود. اما شعار "ما آریائی هستیم، عرب نمی پرستیم" از متن نهائی مقاله منتشر شده به زبان انگلیسی حذف شده است، این شعار در شهرهای متفاوتی داده شده است. علت حذف این شعار از متن انگلیسی به خاطر ارائه تصویر راسیستی و نژادپرسته از اعتراضات مردمی بود، در صورتی که شعار غالب در اعتراضات نبود، اگر چه در شهرهای متفاوتی مطرح شده بود. ما در ضمن جعلی بودن یک شعار مطرح شده در یکی از سایت‌ها را به اطلاع رفقا رساندیم. علیرغم اشاره ما، رفقا کوچکترین توضیحی نخواستند و بعداً بعنوان مرجع در مقاله‌شان استفاده کردند. جریان کمونیست بین‌المللی همچنین عکس هواداران جمهوری اسلامی، عکس حزب‌اللهی‌ها را در کنار مقاله خود چاپ کرده بود، که بعداً با توضیحات، عکس را عوض کرد. با این توضیحات به جریان کمونیست بین‌المللی بر می‌گردیم که اظهار می‌دارد شعارهای ناسیونالیستی در هر سه کشور یعنی ایران، عراق و اردن به هیچ وجه مشخصه اعتصابات و اعتراضات نبود و چنین می نویسد:

"این نتیجه گیری را می‌گیرد که البته هیچ جا با واقعیت‌ها تایید نشده است:
«واقعیت این است ... شعارهای ناسیونالیستی بر اعتراضات خیابانی سایه

افکنده است». بدون دست کم گرفتن خطرات ناشی از ناسیونالیسم، به ویژه در کشورهایی که به مدت طولانی توسط قدرت‌های بزرگ امپریالیستی تحت سلطه قرار گرفته‌اند، می‌توان گفت که شعارهای ناسیونالیستی در هر سه کشور به هیچ وجه مشخصه اعتصابات و اعتراضات نبود. [۲۳]

جریان کمونیست بین‌المللی چطور ادعای خود را ثابت می‌کند؟ ما در اینجا فقط از واقعیت‌ها صحبت می‌کنیم نه از مواضع. آیا بهتر نبود جریان کمونیست بین‌المللی لیست شعارهای مطرح شده در هر سه کشور را ارائه می‌داد و با توجه به آن لیست، ادعای خود را ثابت می‌کرد. با ادعای تو خالی که نمی‌شود، واقعیت‌ها را بوجود آورد. ما به ترتیب هر ۳ کشور را بررسی می‌کنیم.

تعدادی از شعارهای ناسیونالیستی مطرح شده در ایران بقرار زیر است:

- سوریه را رها کن، فکری به حال ما کن
- نه غزه، نه لبنان، جانم فدای ایران
- استقلال، آزادی، جمهوری ایرانی
- ما آریائی هستیم، عرب نمی‌پرستیم

به این شعارها می‌توان شعارهای سلطنت طلبانه را اضافه کرد که خود نوعی

شعارهای ناسیونالیستی و ارتجاعی است:

- ایران که شاه ندارد، حساب کتاب ندارد

- رضا شاه، روح شاد

- شاهنشاه، روح شاد

- چه اشتباهی کردیم که انقلاب کردیم

- ای شاه ایران، برگرد به ایران

در اردن معترضان پرچم اردن را حمل می‌کردند که بیانگر تاثیر ناسیونالیسم است، از آن می‌گذریم و به عکس منتشر شده در همان مقاله جریان کمونیست بین‌المللی در رابطه با اعتراضات اردن رجوع می‌کنیم. شاید خوانندگانی که به زبان عربی آشنائی ندارند، تصور کنند، شعاری علیه پادشاه اردن در زیر عکس او نوشته شده است اما برعکس این تصور از پادشاه تمجید شده است. آیا پادشاه سمبل ناسیونالیسم نیست؟ ترجمه فارسی متن پلاکارد چنین است:

"هیچ ترسی برای وطن وجود ندارد، اولین سرباز پادشاهی - تجمع جوانان

وفادار و متعلق به میهن و رهبر میهن". [۲۴]

در اعتراضات عراق نیز پرچم عراق، سمبل ناسیونالیسم برافراشته بود. ما عکس‌های اعتراضات عراق با پرچم عراق را داریم، اگر رفقا خواستند، می‌توانیم برایشان ارسال کنیم. در عکسی که جریان کمونیست بین‌المللی در مقاله خود در رابطه با اعتراضات عراق منتشر کرده، شعار "نفت بصره برای بصره" به چشم می‌خورد.[۲۵] خواننده فارسی زبان بدلیل عدم آشنائی به زبان عربی، تصور خواهد کرد، شعار مترقی روی پلاکارد است. آیا این شعار ناسیونالیستی نیست و مترقی است؟

با توجه به واقعیت‌ها که ما در بالا نشان دادیم و در هر ۳ کشور نیز نشان دادیم یعنی تایید شد ناسیونالیسم بر اعتراضات خیابانی مردمی سایه افکنده بود و وظیفه انترناسیونالیست‌ها نه چشم پوشی آگاهانه از آنها بلکه نقد رادیکال ناسیونالیسم اعتراضات مردمی است.

اعتراضات علیه اتحادیه‌های کارگری

جریان کمونیست بین‌المللی مدعی می‌شود که اعتراضات خیابانی بلافاصله در هر سه کشور، علیه اتحادیه‌های کارگری شد. لطفاً هر سه کشور را بخاطر بسپارید و چنین می‌نویسد:

"در هر سه کشور، مبارزات بلافاصله علیه اتحادیه‌های کارگری

شد که برای مدیریت آنها خوب مجهز نبودند، از جمله اتحادیه‌های

"جدید" در اردن که بورژوازی پس از یک موج شدید مبارزه در یک دهه

پیش تاسیس کرده است. "[۲۶]] تاکید از ما]

هر سه کشور را به ترتیب بررسی می‌کنیم تا صحت ادعای جریان کمونیست

بین‌المللی مورد ارزیابی قرار گیرد. ما از رفقا خواهش میکنیم، نام چند اتحادیه

کارگری را در ایران نام ببرد، چه دولتی، چه غیر دولتی. در ایران هیچ اتحادیه

کارگری، چه دولتی و چه غیر دولتی وجود ندارد. تشکلات کارگری دولتی، البته

اگر بتوان نام تشکل به آنها نهاد، شکل شوراهای اسلامی کار را دارند که بنوعی

بخشی از وزارت اطلاعات در محل کار هستند. البته نهاد دیگر دولتی، «خانه

کارگر» نام دارد که در راستای اهداف بورژوازی اسلامی است.

تنها یک تشکل کارگری که نه اتحادیه است، نه دولتی و نه انقلابی تنها

تشابه اسمی با اتحادیه دارد و نام «اتحادیه آزاد» را دارد که چند تن از فعالین آن

در حال حاضر در زندان هستند. وقتی چیزی اصلاً وجود خارجی ندارد، چطور می

شود علیه آن اعتراض کرد؟ در اعتراضات خیابانی مردمی در دی ماه ۱۳۹۶ در

ایران هیچ مبارزه ای علیه اتحادیه‌های کارگری صورت نگرفت و نمی‌توانست هم صورت بگیرد.

در اعتراضات خیابانی عراق، نه اتحادیه‌ها نقش اساسی داشتند و نه مبارزه‌ای علیه آنها شکل گرفت. مبارزات در عراق مثل ایران بیشتر شکل خودجوش و بیان خشم نهفته بود. جریان کمونیست بین‌المللی باید توضیح دهد، چگونه مبارزات مردمی در عراق بلافاصله علیه اتحادیه‌های کارگری شد؟ کدام مبارزه علیه اتحادیه‌ها و به چه شکل علیه اتحادیه‌ها شکل گرفت؟ نمی‌توان فقط ادعا کرد بلکه باید آنرا با استدلال توضیح داد.

بر خلاف ایران و عراق، در اردن اتحادیه‌های کارگری خود از سازماندهندگان اعتراضات بودند تا جلوی رادیکال شدن اعتراضات مردمی را بگیرند و اعتراضات را به کانال بخصوصی سوق دهند. ما تحقیق کردیم و نتوانستیم در اعتراضات مردمی اردن در سال ۲۰۱۸ مبارزه‌ای را علیه اتحادیه‌های کارگری مشاهده کنیم. ما از رفقا خواش می‌کنیم استدلال و توضیحات خودشان را در رابطه با اینکه مبارزات بلافاصله در اردن علیه اتحادیه‌های کارگری شد برای ما و دیگر خوانندگان توضیح دهند تا یک ادعای صرف و توخالی نباشد و هم اینکه ما از این مبارزات مطلع بشویم.

جریان کمونیست بین‌المللی ادامه می‌دهد، کارگران که از منزوی شدن در کارخانه‌ها و محل‌های کار توسط اتحادیه اجتناب می‌کردند، به اعتراضات در خیابان‌ها پیوستند:

"اعتراضات در پی پیوستن به کارگران در حال اعتصاب بود؛ و کارگران از منزوی شدن در کارخانه‌ها و محل کار توسط اتحادیه‌ها اجتناب کردند، که حتی در پیشرفته‌ترین مبارزات می‌تواند به یک زندان تبدیل شود، به اعتراضات در خیابان‌ها پیوستند." [۲۷]

جریان کمونیست بین‌المللی می‌خواهد القاء کند که اعتصابات کارگری در کارخانه‌ها و محل‌های کار جریان داشت و کارگران نمی‌خواستند در محل کار منزوی شوند و اعتراضات را آگاهانه به خیابانها کشاندند به عبارت بهتر آگاهانه سعی کردند یک نهاد دولت سرمایه (اتحادیه‌های کارگری) را دور بزنند. بر خلاف آرزوهای ارزشمند رفقا که ما نیز آرزوی میکردیم چنین می‌شد، واقعیت اعتراضات اردن چیز دیگری را نشان داد. توصیف جریان کمونیست بین‌المللی در شرایطی اتفاق می‌افتد که مبارزه طبقاتی در روند خود از شکل تدافعی خارج شده حتی به صورت موقت هم که شده و شکل رادیکال به خود می‌گیرد، مثل اتفاقی که چند ماه قبل در ایران افتاد. در ایران اعتراضات و اعتصابات کارگری از همان

روز اول به آن شکل نبود بلکه در روند خود روز به روز رادیکالتر می شد تا اینکه نهایتاً هزاران کارگر در مرکز شهر شعار «نان، کار، آزادی، اداره شورائی» را دادند. [۲۸]

تقسیم کاذب میان اعتراض و اعتصاب

در اعتراضات خیابانی مردمی، به عبارت بهتر در اعتراضات خیابانی که کارگران بعنوان انسانهای کارگر و نه بعنوان طبقه کارگر در کنار دیگر اقشار جامعه به اعتراض بر می خیزند، اغلب این اعتراضت افق روشن برای اهداف خود ندارند. این مسئله را هرگز نباید با اعتراضات خیابانی کارگری با اهداف طبقاتی معین در هم آمیخت. جریان کمونیست بین‌المللی با تکیه بر "فرهنگ مباحثه" در وارونه جلوه دادن مواضع صدای انترناسیونالیستی ادامه می دهد و اظهار می دارد که صدای انترناسیونالیستی بین اعتراضات خیابانی کارگری و اعتصابات محل کار، تقسیم کاذب بوجود می آورد و می نویسد:

"برای آن [صدای انترناسیونالیستی] کارگران در این اعتراضات "افق روشن یا دورنمای طبقاتی روشنی برای اهداف خود نداشتند". اما این تلاشها، اعتراضات خیابانی و اعتصابها برای تکمیل یکدیگر، بخشی از تلاشها

برای پیشبرد مبارزه جمعی است و این باعث تقسیم کاذب میان اعتراض و اعتصاب، خیابان و محل کار می‌شود. "[۲۹]

ما از رفقا می‌خواهیم مشخص کنند کجا صدای انترناسیونالیستی بین اعتراضات خیابانی کارگری و اعتصاب محل کار تمایز قائل شده است؟ با چه استدلالی چنین وارونه‌سازی را انجام می‌دهند؟ نه تنها هر اعتراض خیابانی کارگری مقدس نیست بلکه هر اعتراض محل کار نیز مقدس نیست، می‌تواند حتی ارتجاعی نیز باشد. اعتراض کارگران چه در سرمایه متروپل و چه در سرمایه پیرامونی به استخدام کارگران "خارجی تبار" یکی از نمونه‌های بارز، خواست ارتجاعی است. این مسئله اگر چه در سرمایه‌داری متروپل بیشتر از سرمایه‌داری پیرامونی به چشم می‌خورد، اما در سرمایه‌داری پیرامونی شکل زمخت بخود می‌گیرد. در راهپیمایی که «خانه کارگر» به مناسبت روز کارگر در سال ۱۳۹۴ در تهران برگزار کرد [۳۰]، شعارهای ننگین و ضد کارگری زیرین نیز مطرح شد:

• "کارفرما حیا کن - افغانی را رها کن!"

• "کارگر افغانی اخراج باید گردد!"

عده ای کارگر این شعارهای ضد کارگری را مطرح کردند، عده ای کارگر آشکارا در خدمت منافع بورژوازی قرار گرفتند، عده ای کارگر خواهان اخراج

برادران و خواهران هم طبقاتی خود شدند. عده ای کارگر به همبستگی طبقاتی پشت کردند. بعد از آن، اعتراض ها به این مسئله بالا گرفت و حتی در فضای مجازی "ما همه افغانیم" براه افتاد که نمی تواند یک اعتراض و یا شعار درستی باشد، "ما همه کارگریم" افق و اهداف طبقاتی را بهتر می توانست ترسیم نماید.

ماهیت اعتراض نه توسط خیابان و یا محل کار بلکه از ماهیت طبقاتی اعتراض، نیروهای تشکیل دهنده اعتراض، خواسته های اعتراض، اهداف اعتراض و.. مشخص می شود. گسترش اعتراض به دیگر مناطق و یا دیگر صنایع نکته قوت یک اعتراض را نشان میدهد و ایزوله شدن در خیابان و یا در محل کار بزرگترین خطر برای مبارزه طبقاتی است. ما به این مسئله مجدداً برمیگردیم.

از ریل خارج شدن صدای انترناسیونالیستی

بر طبق ادعای جریان کمونیست بین المللی، مواضع صدای انترناسیونالیستی در عراق به وضوح از ریل خارج می شود. جریان کمونیست بین المللی مشخص نکرده، آیا قطار صدای انترناسیونالیستی که از ریل خارج شده، فقط از ریل خارج شده یا به ته دره نیز پرتاب شده است؟ به هر حال انتشار این متن نشان میدهد، قطار همچنان جلو میرود.

جریان کمونیست بین‌المللی از آن همه متونی که ما در رابطه با اعتراضات مردمی و خیابانی در رابطه با ایران، عراق و اردن منتشر کردیم، تنها یک نقل و قول آورده است که نشان می‌دهد در نقد خود چقدر جدی بوده است. فرهنگ مباحثه و اخلاق کمونیستی جریان کمونیست بین‌المللی گوش انسان را کر می‌کند. سوال اساسی این است چرا جریان کمونیست بین‌المللی نتوانسته است یک نقل و قول چند خطی را درست ارجاع دهد و به متن اصلی وفادار بماند؟ جریان کمونیست بین‌المللی می‌نویسد:

"این در عراق است که مواضع آن به وضوح از ریل خارج می‌شود. می‌گوید، کارگران اتمیزه هستند، اما پرولتاریا در عراق از 'موقعیتی بهتری' برخوردار است و از این روی 'برخلاف نگرش آنارشیستی، قدرت کارگر نه در خیابان بلکه در محل کار و اخلال در روند انباشت سرمایه است.' و در نتیجه '... اما اگر طبقه کارگر عراق صادرات نفت را متوقف کنند، کمر رژیم خواهد شکست و کارگران بعنوان طبقه اجتماعی، قدرت خود را نشان خواهند داد." [۳۱]

ما نوشته بودیم:

"طبقه کارگر عراق برخلاف اردن هم به لحاظ تعداد، هم به لحاظ تمرکز صنایع و هم به لحاظ نبردهای ثبت شده در تاریخ خود و حافظه تاریخی، از

موقعیت بهتری برخوردار است. اگر چه جنگ گانگسترها در چهل سال گذشته تاثیر مخربی بر طبقه کارگر عراق گذاشته است، با این وجود یکی از گردان هان مهم طبقه کارگر جهانی است. طبقه کارگر عراق بعنوان یک طبقه اجتماعی وارد اعتراضات خیابانی نشد. کارگران امتیزه شده در اعتراضات خیابانی شرکت داشتند. همانطوری که وزیر نفت عراق اعلام داشت، صدور نفت تحت تاثیر اعتراضات قرار نگرفت. برخلاف نگرش آنارشیستی، قدرت کارگر نه در خیابان بلکه در محل کار و اختلال در روند انباشت سرمایه است. صدام با وحشی ترین قتل عام ها توانست به قدرت خود ادامه دهد. اما اگر طبقه کارگر عراق صادرات نفت را متوقف کنند، کمر رژیم خواهد شکست و کارگران بعنوان طبقه اجتماعی، قدرت خود را نشان خواهند داد." [۳۲]

اولا ما بارها اعلام کرده ایم، نه حالا بلکه پس از وقوع جنگ جهانی اول، نظام مسلط اقتصادی در سراسر این کره خاکی نظام سرمایه داری بوده است، اما رشد سرمایه داری در همه جا یکسان نبوده است. ژاپن به لحاظ تمرکز صنایع نسبت به فرانسه، ۳,۵ برابر بیشتر تمرکز یافته تر است و به لحاظ تولید ناخالص داخلی، حدود ۲,۵ برابر بیشتر از فرانسه است. با این همه پرولتاریای فرانسه به لحاظ

نبردهای ثبت شده در تاریخ خود شاید صد برابر بیشتر از پرولتاریای ژاپن است. اگر پرولتاریای فرانسه در سالهای ۱۹۲۵ - ۱۹۱۷ نتوانست در سطح پرولتاریای روسیه و آلمان در نبردهای طبقاتی و موج انقلاب جهانی شرکت کند، بخاطر آن بود که هنوز نتوانسته بود از قتل عام پس از شکست کمون پاریس قد علم کند. قیاس اردن با عراق فقط از این زاویه است. در اردن نیز طبقه کارگر وجود دارد، همانطوری که در ژاپن وجود دارد و طبقه کارگر اردن تنها طبقه انقلابی است.

ثانیا ما هرگز نوشتیم کارگران در اردن متمیزه هستند، اما پرولتاریا در عراق از 'موقعیتی بهتری' برخوردار است. این دیگر "فرهنگ مباحثه" جریان کمونیست بین المللی را در توصیف مواضع صدای انترناسیونالیستی نشان میدهد. ما در بررسی اعتراضات مردمی **در هر سه کشور** نوشتیم، کارگران متمیزه شده در اعتراضات مردمی شرکت کردند نه بعنوان طبقه کارگر و نه بعنوان یک طبقه اجتماعی. ما نوشتیم طبقه کارگر عراق در مقایسه با طبقه کارگر اردن علیرغم ۴۰ سال جنگ از موقعیت بهتری برخوردار است. همانطوری که طبقه کارگر فرانسه افق سیاسی بهتری از طبقه کارگر ژاپن دارد، هر چند تمرکز صنایع در ژاپن ۳,۵ برابر بیشتر از فرانسه است.

ثالثا در ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ ارتش شاهنشاهی ایران تظاهرات ضد سلطنتی را در میدان ژاله به خون کشید و حمام خون براه انداخت که به جمعه سیاه مشهور

است. واقعا به مفهوم لغوی کلمه خون در خیابان جاری شده بود. قتل عام بین ۹:۱۵ تا ۱۰:۰۰ صورت می گیرد، کسانی که بعد از ساعت ۱۰ به میدان ژاله میرسند با ماشین های آب پاش مواجه میشوند که مشغول شستشوی خیابانها بودند. بعد از آن شاه به حکومت خود ادامه میداد. تنها با گسترش اعتراضات و اعتصابات کارگری به صنایع نفت بود که شاه احساس خطر کرد، زمانی که صدور نفت بخاطر اعتصابات کارگری قطع شد. بورژوازی جهانی نیز بهتر آن دید برای جلوگیری از رادیکال شدن اعتراضات کارگری جابجائی در روبنای دستگاه سیاسی صورت بگیرد، بورژوازی سلطنتی جای خود را به بورژوازی اسلامی داد. نه در سال ۱۳۵۷ و نه در سال ۱۳۹۷ انقلاب جهانی در دستور کار پرولتاریا قرار نداشت. تاکید ما بر این بود که در سال ۱۳۹۷ طبقه کارگر در عراق در موقعیتی قرار نداشت که بتواند با ارجاع به هویت طبقاتی خود، قدرت طبقاتی خود را نشان دهد. یک اعتصاب هدفمند و دراز مدت در صنایع نفت عراق که بتواند از یک سو در انباشت سرمایه اخلال ایجاد کند و از سوی دیگر به بحران انرژی هر چند موقت در سطح جهانی منجر شود، نیازمند تکامل مبارزه طبقاتی در عراق است، همانند چیزی که در سال ۱۳۵۷ در ایران اتفاق افتاد.

رابعا قدرت طبقه کارگر بعنوان یک طبقه استثمار شده و تنها طبقه انقلابی در عصر کنونی در این است که به لحاظ تاریخی قادر به انجام چه کاری است،

طبقه کارگر تنها طبقه ای است که قادر به انجام انقلاب کمونیستی است. جریان کمونیست بین‌المللی در این مورد ساکت است. ما به قدرت طبقه کارگر مجدداً برمیگردیم.

سرکوب یا آگاهی طبقاتی

جریان کمونیست بین‌المللی مدعی است که صنعت نفت در عراق موانع زیادی را برای توسعه مبارزه طبقاتی ایجاد کرده است و می‌نویسد:

"صنعت نفت در عراق موانع زیادی را برای توسعه مبارزه طبقاتی ایجاد کرده است؛ کشورهای مختلف غرب، ایران و روسیه تأسیسات خود را توسط شبه نظامیان خود محافظت می‌کنند و واحدهای ویژه عراقی در برابر اعتراضات علیه تأسیسات نفتی بی‌رحمانه پاسخ داده‌اند. در واقع، مانند مافیا، نظامیان عراقی سربازان خود را در شرکت‌های نفتی در ازای "محافظت" قرار داده‌اند و آمریکایی‌ها و بریتانیایی‌ها در قلمرو منطقه سبز نیروهای "ضد تروریست" خود را علیه معترضین به منظور محافظت از منافع خود راه انداخته‌اند." [۳۳]

این یک واقعیت است که صنعت نفت عراق نه تنها برای بورژوازی عراق بلکه برای دیگر گانگسترها، بخصوص گانگسترهای غربی اهمیت حیاتی دارد، لذا بشدت از آن محافظت می شود. اما اینکه صنعت نفت در عراق موانع زیادی برای توسعه مبارزه طبقاتی ایجاد کرده است، نمیتواند یک بحث جدی باشد. صنعت نفت چه در عراق و چه در دیگر کشورهای خاورمیانه که از تولیدکنندگان نفت هستند، بدلیل ویژگیهای خاص خود، دیرتر وارد اعتراضات کارگری می شود، اما وقتی هم وارد اعتراضات و اعتصابات کارگری شد، واقعا کمر بورژوازی را می شکند. نمونه بارز آن اعتصابات و اعتراضات صنعت نفت ایران در سال ۱۳۵۷ است. اینکه طبقه کارگر عراق در کل و بخصوص در صنعت نفت نه تنها به بردگی مزدی خود معترض نیست بلکه به سیاست های ریاضت اقتصادی نیز اعتراض جدی نمی کند، در وهله اول ناشی از عقب نشینی طبقه کارگر از هویت طبقاتی خود است. سرکوب و دیکتاتوری عامل بعدی است. سرکوب طبقه کارگری که به هویت طبقاتی خود آگاه است، سخت تر است.

جریان کمونیست بین المللی ادامه میدهد:

"بدتر از همه، عراق می‌تواند به سوی اضمحلال پس از خلافت اسلامی سقوط کند، بیشتر و بیشتر تحت تأثیر گرایش‌های مرکز گریز که خود را توسط گانگسترهای محلی بیان میکند و توسط قدرت‌های بزرگ امپریالیستی اداره و دستکاری می‌شوند. خطر تبدیل شدن عراق به یک لیبی دیگر یا چیزی شبیه آن وجود دارد. نه ملی‌گرایی و نه دموکراسی کارت اصلی بازی در اینجا نیستند - بلکه ما شاهد گسترش بی رحمانه اضمحلال سرمایه‌داری هستیم. رشد شبه نظامیان مختلف در رقابت دائمی با یکدیگر، بیان واضحی از این موضوع است که این می‌تواند هر گونه جنبش‌های طبقاتی را کنار بزند و سرکوب کند. در عین حال، واکنش دولت عراق، تیراندازی‌های مرگبار، دستگیری‌های گسترده و شکنجه بوده است." [۳۴]

چرا خطر تبدیل شدن عراق به لیبی وجود دارد؟ چرا جنگها، شکل جنگهای منطقه‌ای بخود می‌گیرند؟ جواب این مسئله را در وهله اول نه در عراق بلکه باید در شرایط جهانی و توازن قوای دو طبقه اصلی جست. قدرت‌یابی گانگسترهای محلی و خطر اضمحلال جامعه عراق بیانگر عقب‌نشینی هر چه بیشتر طبقه کارگر از هویت طبقاتی خود است. آگاهی طبقاتی پرولتری و به تبع آن هویت پرولتری با خطر اضمحلال جامعه نسبت معکوس دارد. عقب‌نشینی بیشتر طبقه کارگر از هویت

طبقاتی شرایط را بیشتر برای اضمحلال جامعه مهیا میکند. در چنین شرایطی تاکید بر مبارزه مستقل پرولتری و دفاع از هویت طبقاتی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. درست در چنین شرایطی جریان کمونیست بین‌المللی طبقه کارگر را سیاهی لشکر در جنبش‌های مردمی تحت عنوان "مبارزه طبقاتی" می‌کند و نتیجه آن این می‌شود که طبقه کارگر بیشتر از قبل از هویت طبقاتی خود عقب نشینی کند.

فرار از پاسخ

جریان کمونیست بین‌المللی علاقه‌ای به پاسخ جدی ندارد، لذا با وارونه کردن بحث و همانطوری که قبلاً نیز اشاره شد، با ارائه تصویری نادرست از مواضع صدای انترناسیونالیستی، راه را برای فرار از یک پاسخ جدی باز کند. ابتدا ببینیم رفقا چه می‌گویند:

"درست است که قدرت طبقه کارگر واقعاً می‌تواند مانع کارکرد کارخانه‌ها یا پالایشگاه‌های نفت شود، اما قدرت واقعی آنها نه در فلج کردن تولید و گردش کالاها، بلکه در اتحاد خود در همه بخش‌های اقتصاد نهفته است، نه از طریق جدا کردن کارگران از یکدیگر از طریق "محاصره" مکان‌های تولید، بلکه با گسترش جنبش و غلبه بر هر گونه وابستگی به محل کار بخصوصی." [۳۵]

سپس رفقا ادامه می‌دهند:

"در واقع، ما اخیراً شاهد مبارزات ویژه کارگران نفتی در فرانسه بوده‌ایم که تمرکز بر یک بخش، حتی بخش نفت، بوسه مرگ برای مبارزه طبقاتی است. درس‌های عملکرد جداسازی شرکتی که تاریخ مبارزه طبقاتی را پر می‌کند، به همان اندازه فرانسه برای عراق معتبر است و به هر جای دیگر قابل تعمیم است. انزوا و تکه تکه کردن دقیقاً مخالف نیازهای مبارزه است." [۳۶]

ابتدا باید تأکید کرد این نظر رفقا، تکه تکه کردن مبارزه و انزوای مبارزه در بخشی، حتی در پیشرفته‌ترین و مهمترین بخش‌ها، بوسه مرگ برای مبارزه طبقاتی است، کاملاً درست است. این الفبای مبارزه طبقاتی است که گسترش مبارزه طبقاتی به دیگر بخش‌ها ضامن پیروزی آن است.

از رفقا خواهش می‌کنیم به شکل کنکرت به ما نشان دهند ما کجا اعلام کردیم خواهان "جدا کردن کارگران از یکدیگر از طریق «محاصر»" مکان‌های تولید هستیم؟ در توصیف اعتراضات مردمی عراق اعلام کردیم که این اعتراضات مردمی، مبارزه مستقل پرولتری نیست. طبقه کارگر بعنوان یک طبقه اجتماعی در این اعتراضات شرکت نکرده است و گفتیم اگر اعتراضات مستقل

پرولتاری شکل بگیرد و تکامل پیدا کند و اگر به صنعت نفت کشیده شود، کمر بورژوازی را میشکند.

ما در بخش های قبلی نشان دادیم که ادعای جریان کمونیست بین‌المللی مبنی بر اینکه مبارزات مردمی در اردن، عراق و ایران نه تحت تاثیر ناسیونالیسم بلکه بر ضد اتحادیه های کارگری و روحانیت بود، بی اساس است. جریان کمونیست بین‌المللی به جای پاسخ دادن به اینکه چرا طبقه کارگر را سیاهی لشکر اعتراضات مردمی می کند، به اتهامات واهی چنگ می اندازد تا پاسخ ندهد.

سوال اساسی که مطرح می شود این است، قدرت واقعی طبقه کارگر کجا است؟ قدرت واقعی طبقه کارگر نه در ایجاد توقف در انباشت سرمایه بلکه در ظاهر شدن بعنوان یک طبقه اجتماعی و آگاه به وظیفه تاریخی خود است. بحث بر سر این است که این طبقه اجتماعی به لحاظ تاریخی مجبور به انجام چه کاری است، چرا که تنها این طبقه اجتماعی قادر به انجام انقلاب کمونیستی جهانی است. در چنین زمینه ای بود که تاکید کردیم، حملات بورژوازی را ما تنها می توانیم از زمین طبقاتی خودمان، دفع کنیم. طبقه کارگر نباید بدرون جنبش های مردمی کشیده شود و بدتر از آن سیاهی لشکر شدن طبقه کارگر در جنبش های مردمی، طبقه کارگر را تضعیف و ناتوان خواهد کرد.

در اعتراضات و اقدامات مردمی که طبقه کارگر خودش را در جنبشهای دموکراتیک و آزادیخواهانه حل می‌کند، بورژوازی را تضعیف نمی‌کند بلکه طبقه کارگر خود را تضعیف میکند.

جلیقه زردها

در اعتراض به افزایش قیمت سوخت و مالیات‌ها در ۱۷ نوامبر ۲۰۱۸ جنبشی در فرانسه شکل گرفت و با توجه به جلیقه‌های زردی که به تن داشتند، به جنبش جلیقه زردها مشهور شد. خودجوش بودن اعتراضات، جنبش اقشار پائین جامعه، بی‌اعتمادی به حاکمیت، خشونت علیه دولت، پیوستن معترضین با خواسته‌های متنوع، استفاده از شبکه‌های اجتماعی برای سازماندهی اعتراضات، خشونت پلیس علیه معترضین و.. وجه مشترک جنبش جلیقه زردها با اعتراضات دی ماه ایران بوده است. آنقدر شباهت جنبش جلیقه زردهای فرانسه با اعتراضات دی ماه ۱۳۹۶ ایران زیاد بود که «بی بی سی» متنی انتشار داد تحت عنوان اینکه "چرا جنبش جلیقه زردهای فرانسه، اعتراضات دی ماه ایران را تداعی کرد؟" [۳۷]

در جریان اعتراضات جنبش جلیقه زردها حداقل ۱۰ نفر کشته شده و هزاران نفر زخمی شده‌اند. «جروم رودریگوئز» کارگر ساختمانی و یکی از رهبران جنبش

جلیقه زردها در اثر اصابت گلوله پلاستیکی از ناحیه چشم به شدت آسیب دید و یکی از زخمی ها است. [۳۸] آیا زخمی شدن کارگر ساختمانی و رهبر یکی از جلیقه زردها در جریان اعتراضات خیابانی بیانگر ماهیت پرولتری این اعتراضات خیابانی نیست؟ قطعاً چنین استدلالی نمی تواند یک استدلال جدی باشد.

جریان کمونیست بین المللی در رابطه با جلیقه زردها مقاله ای منتشر کرده است تحت عنوان «جنبش "جلیقه زردها" پرولتاریا باید به حملات سرمایه از زمین طبقاتی خود پاسخ دهد!». [۳۹] به باور ما این مقاله از افق انترناسیونالیستی ماهیت جنبش «جلیقه زردها»، عملکرد این جنبش و همچنین افق پیش رو را بررسی کرده است. در بخشی از مقاله میخوانیم:

"ناسیونالیسم ملتهب، اشاره به "مردم"، تقاضای دادخواست به قدرتمندان، نشانگر ماهیت واقعی جنبش است. اکثریت بزرگی از «جلیقه زردها»، کارگران، بازنشسته ها یا بسیار فقیرها هستند اما در اینجا به عنوان شهروندان "مردم فرانسوی" و نه به عنوان اعضای طبقه کارگر ظاهر می شوند. آنها در جنبش بین طبقات یا در اختلاط طبقه ها و لایه های غیر استعمارگر از جامعه (کارگران، بازنشسته ها، اشخاص متزلزل، بیکار) با خرده بورژوازی (حرفه ای های لیبرال، صنعتگران، کارآفرینان کوچک، کشاورزان و صاحبان

مشاغل کوچک) عمل می کنند. بخشی از طبقه کارگر نشان همراه با آغازگران جنبش بودن، بخود می گیرد(صاحبان کسب و کار کوچک، صاحبان کامیون، تاکسی، آمبولانس). علیرغم خشم قانونی «جلیقه زردها»، کسانی که در میان پرولتاریا فراوان هستند کسانی که نمیتوانند به تجمع پایان دهند، این جنبش، یک جنبش طبقه کارگر نیست. این جنبش است که توسط افراد با کسب و کار کوچک که در مورد افزایش قیمت سوخت خشمگین هستند، راه اندازی شده است. همانطور که شاهد کلمات راننده کامیون بودیم که آغازگر این جنبش بود: "ما منتظر همه، کامیون ها، اتوبوس ها، تاکسی ها، وسایل نقلیه توریستی، تراکتور و غیره همه هستیم!" این «هر کس» و همه «مردم فرانسه» پشت رانندگان صاحبان ماشین، رانندگان تاکسی، کشاورزان و غیره هستند. به این ترتیب کارگران به "مردم" تقلیل یافته، متمایز شده و از یکدیگر جدا می شوند، به عنوان شهروندان فردی، که با تجار کوچک و زنان مخلوط شده اند (بسیاری از آنها بخشی از رای دهندگان به جبهه ملی به رهبری مارین لوپن هستند).

سوال اساسی که مطرح می شود این است، چرا این جنبش مردمی و اعتراض خیابانی از سوی جریان کمونیست بین المللی ماهیت پرولتری پیدا نمی کند

و جریان کمونیست بین‌المللی بدرستی اظهار میدارد که پرولتاریا باید به حملات سرمایه از زمین طبقاتی خود پاسخ دهد اما وقتی همین اعتراضات در اردن، عراق و ایران اتفاق می‌افتد، ماهیت پرولتری پیدا می‌کند و تبلور مبارزه طبقاتی می‌شود؟

ظاهراً جریان کمونیست بین‌المللی در رابطه با اعتراضات مردمی سیاست دوگانه دارد، این اعتراضات در سرمایه پیرامونی تبلور مبارزه طبقاتی و در سرمایه متروپل تبلور مبارزه مردمی است. شبیه موضعی که برخی جریان‌ات کلام رادیکال چپ سرمایه در رابطه با اتحادیه‌ها دارند. آنها معتقد هستند اتحادیه‌ها در سرمایه متروپل رفرمیست هستند اما در سرمایه پیرامونی تشکل‌کاری و ظرف مبارزه برای مبارزه طبقه کارگر هستند.

مبارزه طبقاتی و جریان کمونیست بین‌المللی

فروپاشی استالینسم در رقابت با دموکراسی بورژوائی و نه توسط طبقه کارگر منجر به عقب‌نشینی طبقه کارگر از هویت طبقاتی خود شد. بدنبال آن پیشروی پوپولیسم و پس‌روی نئولیبرالیسم در سطح جهانی مبارزه طبقاتی را تدافعی‌تر از قبل کرده است. مبارزه طبقاتی هر چقدر تدافعی‌تر باشد به همان میزان از نارسائی‌ها و ضعف‌ها برخوردار خواهد بود و تنها در تشدید مبارزه طبقاتی است که گام

به گام ضعف ها جای خود را به دستاوردهای گران بها خواهند داد. ما با رفقا موافقیم
وقتی می نویسند:

"اهداف نامشخص مبارزه قطعا نقاط ضعف هستند به این معنی که هنوز
مسئله سرنگونی سرمایه داری مطرح نشده است، اما در عین حال ما باید
مشوق اعتراضات و اعتصابات اخیر در خاورمیانه باشیم: تمایل به بیرون
آمدن برای مبارزه، یک ضرورت مطلق برای مبارزه طبقاتی است، نه ضعف
آن." [۴۰]

سوال اساسی این است نه مردم بلکه طبقه کارگر بعنوان طبقه اجتماعی
علیرغم ضعفها، کاستی ها، مبارزه خود را گسترش داد و این مبارزه حتی در
مقطعی از حالت تدافعی به حالت تهاجمی ارتقاء یافت و هزاران کارگر صنعتی در
مرکز شهر در محاصره پلیس ضد شورش شعار "نان، کار، آزادی، اداره
شورایی"، را سر دادند، جریان کمونیست بین المللی چقدر مشوق این اعتراضات
و اعتصابات کارگری بود؟ اصلا جریان کمونیست بین المللی در این مقطع مشغول
چه کاری بود؟

جریان کمونیست بین‌المللی در آن مقطع با اشتیاق فراوان مشغول انتشار نامه ای از اسرائیل در رابطه با انتخابات آینده اسرائیل در بالای صفحه اول سایت خود بود. احتمالا رفقا تصور می‌کنند، اسرائیل پنجاه و یکمین ایالت آمریکا است و به تبع آن علیرغم اینکه اسرائیل در خاورمیانه قرار دارد به "مرکز" منتقل می‌شود. به عبارت بهتر آن نامه، نه از سرمایه پیرامونی و نه حتی از سرمایه متروپل بلکه از "مرکز" نوشته شده بود، لذا به اعتراضات و اعتصابات کارگری در "سرمایه پیرامونی" ارجحیت پیدا می‌کرد. ذکر این نکته ضروری است که برای ما طبقه کارگر اسرائیل همچون طبقه کارگر دیگر کشورها، خواهران و برادران طبقاتی ما هستند.

ما پیشتر اشاره کردیم جریان کمونیست بین‌المللی عملاً نقش، وظایف و عملکرد خود را تا سطح یک انتشاراتی انقلابی تنزل می‌دهد. حتی بعنوان انتشاراتی انقلابی نیز جریان کمونیست بین‌المللی نمی‌تواند سکوت مطلق خود را در رابطه با مبارزه طبقاتی که خیابانها را به لرزه درآورده بود، توجیه نماید. چرا که همان انتشاراتی جزوهای در رابطه با اعتراضات و اعتصابات کارگری دریافت کرده بود و دیگر جریان‌ات انترناسیونالیست هم در رابطه با اعتصابات کارگری نوشته بودند. [۴۱]

جریان کمونیست بین‌المللی که مبارزات خیابانی مردمی را تجلی مبارزه طبقاتی ارزیابی میکرد، همان مبارزات را یک نقطه شروع مهم نه برای خاورمیانه بلکه برای کارگران در همه جا ارزیابی میکرد. **لطفاً برای کارگران در همه جا را بخاطر بسپارید**، رفقا می‌نویسند:

"اما حتی با توجه به ظرفیت امپریالیستی خاورمیانه و یا بخشی بخاطر آن، رزمندگی طبقه یک نقطه شروع مهم و **مثال برای کارگران در همه جا** است." [۴۲] [تاکید از ما]

پس علت سکوت مطلق جریان کمونیست بین‌المللی در رابطه با مبارزه طبقاتی چه بود؟ جریانی که چهار نوشته در رابطه با اعتراضات خیابانی مردمی در خاورمیانه منتشر کرده بود، چرا به یکباره در رابطه با مبارزه طبقاتی سکوت مطلق میکند؟ چرا جریان کمونیست بین‌المللی آگاهانه حتی از اخبار و مباحث این مبارزه طبقاتی چشم پوشید؟ چرا جریان کمونیست بین‌المللی اخبار و مباحث این مبارزه طبقاتی را بایکوت کرد و می‌کند؟ اگر بخواهیم بهتر بیان کنیم، جریان کمونیست بین‌المللی از اخبار و مباحث این مبارزه طبقاتی چشم پوشی نمی‌کند، بلکه از خود

مبارزه طبقاتی چشم پوشی می‌کند. چرا "پیشقراول" پرولتاریا حتی نخواست نقش انتشاراتی انقلابی را ایفا کند؟ ما همچنان سوال می‌کنیم!؟

احتمالا جریان کمونیست بین‌المللی معتقد است که مبارزه طبقاتی در سطح جهانی، در حالت تدافعی قرار دارد، لذا در شرایط کنونی ارتقا مبارزه طبقاتی از حالت تدافعی به حالت تهاجمی آن هم در سرمایه پیرامونی و طرح شعار «نان، کار، آزادی، اداره شورائی» نوعی ماجراجویی بود که تنها می‌توانست به سرکوب منجر شود و دیدید هم که سرکوب شد! طبقه کارگر در سرمایه پیرامونی باید منتظر ارتقاء مبارزه طبقه کارگر نه در سرمایه متروپل بلکه "مرکز" بماند تا بعدا طبقه کارگر "مرکز" مسیر و اهداف مبارزه را برای طبقه کارگر سرمایه پیرامونی نشان دهد. تا آن موقع طبقه کارگر سرمایه پیرامونی باید بعنوان کارگران و نه بعنوان طبقه اجتماعی در مبارزات مردمی شرکت کنند، تا آن مبارزات را رادیکال کنند. با شرکت کارگران در مبارزات مردمی، مبارزات مردمی، ماهیت پرولتری پیدا میکنند. سوالی که جریان کمونیست بین‌المللی پاسخ دهد این است که، آیا اتحادیه های کارگری بخاطر آنکه همگی اعضای آن کارگر هستند ماهیت پرولتری پیدا می‌کنند؟ خوشبختانه چنین استدلالی جریان کمونیست بین‌المللی حداقل در رابطه با اتحادیه های کارگری نمی‌کند.

اگر از بایکوت اعتراضات و اعتصابات کارگری توسط جریان کمونیست بین‌المللی بگذریم بزرگترین ابهام آفرینی جریان کمونیست بین‌المللی در رابطه با اعتراضات مردمی، تبدیل کردن طبقه کارگر به "توده‌ها" است. ارزیابی اعتراضات مردمی تحت عنوان تبلور مبارزه طبقاتی توسط جریان کمونیست بین‌المللی مهمترین ویژگی طبقه کارگر، یعنی خصلت اجتماعی (طبقاتی) را از طبقه کارگر سلب می‌کند و یک طبقه اجتماعی را به "توده‌ها" تبدیل می‌کند. توده‌ها قادر به انقلاب کمونیستی نیستند بلکه تنها طبقه اجتماعی در عصر ما، طبقه کارگر قادر به انقلاب کمونیستی است.

کمون پاریس شکست خورد، انقلاب اکتبر شکست خورد، انقلاب آلمان شکست خورد، پرولتاریای شانگهای در خون غلتیده شد. این لیست را میتوان طولانی کرد. هر چند مبارزات کارگران ایران در پائیز ۱۳۹۷ قابل مقایسه با نبردهای اشاره شده نیست ولی بزرگترین و باشکوه‌ترین نبرد کارگری در خاورمیانه بعد از اعتراضات کارگری سالهای ۱۳۸ - ۱۳۵۶ ایران بود، این نبرد نیز شکست خورد. هیچ کدام این شکست‌ها، نه تنها ماجراجویی نبودند بلکه تلاشی شکوهمند بودند. همگی شکست خوردند تا درسهای تجربه را برای نبردهای آتی به ارمغان بیاورند. یکی از کارگران شرکت نیشکر هفت تپه، بهتر از "پیشقراول

پرولتاریا" (و یا حتی انتشاراتی انقلابی) تهاجمی شدن مقطعی مبارزه طبقاتی و سپس شکست آن را توضیح می‌دهد:

"غلط است اگر کسی فکر کند ما نمی‌دانستیم دولت و خائنین موفق به شکستن اعتصاب خواهند شد. و غلط است اگر کسی فکر کند که ما نمی‌دانستیم با این اعتصاب امکان تسخیر کارخانه یا کنترل کارگری ممکن نمی‌شود، ما می‌دانستیم و می‌دانیم و کارگران می‌دانند!!! برای رسیدن به زندگی شورایی، تسخیر کارخانه و کنترل کارگری به مبارزات بسیار بزرگتر و به همبستگی بسیار گسترده طبقاتی احتیاج داریم، و برای پیشبرد چنین اهدافی باید تسخیر قدرت سیاسی توسط طبقه کارگر انجام شود اما برای رسیدن به همچنین اهداف والایی، البته که نیاز است از یک نقطه‌ای مانند هفت طبقه یا مانند فولاد، هپکو، آذرآب و پتروشیمی‌ها یا معدن چادر ملو و ... شروع کرد، لذا از هفت تپه شروع شد و ضمن اینکه در هفت تپه ادامه دوباره خواهد داشت و بدون شک از کارخانه‌های دیگر نیز بزودی شروع خواهد شد، مبارزه فوق در هفت تپه فقط یک گام نخست در شروع بود برای طرح زندگی شورایی تا کارگران بدانند حقشان را در کجا و با چه شکلی می‌توانند بگیرند، ما همچنان خواهان زندگی شورایی هستیم و برای

دست یابی به زندگی شورایی از هر کوششی استفاده خواهیم کرد و در مقابل آن از هیچ مشکلی نمی ترسیم ما در محل مبارزه حضور داریم و بدون شک در آینده نزدیک دست در دست بقیه کارگران دوباره خیابان ها و شهرها و کل کشور را در زیر پای کارگران به لرزه در خواهیم آورد، ما کارگرانی هستیم که به حق و حقوق طبقاتی خودمان آگاه شدیم و دست از خواسته ها خود بر نخواهیم داشت تا زمانی که حکومت سرمایه داری را سرنگون و حکومت شورایی کارگری را برقرار کنیم، تا در حکومتی شورایی زندگی انسانی و راهی های رشد استعداد های اعضای جامعه را برای کارگران و برای تمام مردم ایران به ارمغان بیاوریم، به امید چنین روزی." [۴۳]

طبقه کارگر یک طبقه جهانی است و مبارزه طبقاتی نیز جهانی است. در عصر انحطاط سرمایه، برنامه، وظیفه و عملکرد سازمان انقلابی، جهانی است. جریان کمونیست بین المللی علیرغم ضعف هایش، ابهاماتش، نارسائی هایش و حتی اشتباهاتش نقش مهمی در فضای سیاسی پرولتاری ایفا کرده است. اما متأسفانه جریان کمونیست بین المللی در دهه اخیر بخاطر همین ابهاماتش، بخصوص در زمینه سازمانی ضعیف تر شده است و اگر به این شکل ادامه بدهد ضعیفتر و ضعیفتر

خواهد شد. طبقه کارگر جهانی و فضای سیاسی پرولتری نیازمند جریان کمونیست بین‌المللی است که نقش خود را نه انتشاراتی انقلابی برای طبقه کارگر متروپل و یا بدتر از آن "مرکز" بلکه پیشقراول پرولتاریا، سازمان انقلابی پیشقراول ارزیابی می‌کند که برای **طبقه کارگر جهانی** می‌رزد. امید است جریان کمونیست بین‌المللی با ایفای نقش پیشقراول پرولتاریا، نقش مهمی در نبردهای آتی پرولتاریا ایفا کند، ایفای چنین نقشی پیش شرط آماده سازی برای حزب کمونیست انترناسیونالیست و بین‌المللی است که بدون آن امکان انقلاب کمونیستی میسر نیست. برای رفقا بهترین موفقیت‌ها را در امر مبارزه طبقاتی آرزو مندیم.

م جهانگیری

اسفند ۱۳۹۷

یادداشت ها:

[۱] اطلاعات لازم برای تماس با جریان کمونیست بین‌المللی بقرار زیر است:

• سایت: www.internationalism.org

• ایمیل: international@internationalism.org

[۲] کمونیزم کارگری وجدان رادیکال چپ سرمایه (بخش هشتم)

[۳] Iraq: marching against the war machine

[۴] Class struggle in Jordan's war economy

[۵] Demonstrations in Iran: strengths and limits of the movement

[۶] [https://en.internationalism.org/icconline/201801/14694/iran-](https://en.internationalism.org/icconline/201801/14694/iran-struggle-between-bourgeois-cliques-danger-working-class)

[struggle-between-bourgeois-cliques-danger-working-class](https://en.internationalism.org/ir/131/culture-of-debate)

[http://en.internationalism.org/ir/131/culture-of-debate](https://en.internationalism.org/ir/131/culture-of-debate)[۷]

[۸] <https://en.internationalism.org/ir/127/marxism-and-ethics>

[۹] [http://en.internationalism.org/ir/1982/31/critique-of-the-weak-](http://en.internationalism.org/ir/1982/31/critique-of-the-weak-link-theory)

[link-theory](http://en.internationalism.org/ir/1982/31/critique-of-the-weak-link-theory)

[۱۰] مصاحبه با رفیق فرهاد بشارت – عضو تشکیلات هواداران اتحاد مبارزان کمونیست در

خارج کشور- دی ماه ۱۳۶۱

[۱۱] صدای انترناسیونالیستی و اعتراضات در خاورمیانه از جریان کمونیست بین‌المللی

[۱۲] منبع ۱۱

[۱۳] منبع ۱۱

[۱۴] منبع ۱۱

[۱۵] تداوم اعتراضات خیابانی در بربریت سرمایه‌داری- تنها آلترناتیو مبارزه طبقاتی است از

صدای انترناسیونالیستی

[۱۶] منبع ۱۵

[۱۷] منبع ۱۱

[۱۸] منبع ۱۵

[۱۹] منبع ۱۱

<https://www.youtube.com/watch?v=GOtHVqv9UA>[۲۰]

[۲۱] از اهداف حزب الشوری میتوان چنین خواند:

"ضمان حرية التعبير بما لا يتعارض مع كتاب الله وسنة رسوله والتشريعات والقوانين النافذة"

[۲۲] برای مثال "انأ اردنى الاقصى مسؤوليتى" و يا "شهدا الكرك".

[۲۳] منبع ۱۱

[۲۴] متن اصلی به زبان عربی چنین است:

"لاخوف على الوطن اول جنوده ملك - تجمع شباب الولاء والانتماء للوطن وقائد الوطن"

[۲۵] متن شعار بزبان عربی چنین است: "نقط البصرة للبصرة"

[۲۶] منبع ۱۱

[۲۷] منبع ۱۱

[۲۸] برای اطلاع بیشتر در این زمینه به جزوه «درسهائی از اعتصابات و مبارزات کارگری و

وظایف انترناسیونالیستی» از صدای انترناسیونالیستی مراجعه شود.

[۲۹] منبع ۱۱

[۳۰] <http://www.bartarinha.ir/fa/news/200301> /عکس-کارفرما-حیا-کن-افغانی-را-رها-کن

[۳۱] منبع ۱۱

[۳۲] منبع ۱۵

[۳۳] منبع ۱۱

[۳۴] منبع ۱۱

[۳۵] منبع ۱۱

[۳۶] منبع ۱۱

<http://www.bbc.com/persian/world-features-46522318> [۳۷]

[۳۸] روزنامه دیلی میل بریتانیا

The "Yellow Vest" movement: the proletariat must respond to the
attacks of capital on its own class terrain! [۳۹]

[۴۰] منبع ۱۱

[۴۱] برای مثال گرایش کمونیست انترناسیونالیست ۴ مقاله در این زمینه منتشر کرده است.

[۴۲] منبع ۱۱

<http://www.sosialism.com/index.php/335-2018-12-04-18-09-18> [۴۳]

خطوط اصلی مواضع:

۱. جنگ جهانی اول نشان داد که سرمایه‌داری بعنوان یک نظام اجتماعی وارد دوره انحطاط شده است. تنها دو آلترناتیو برای این سیستم وجود دارد: یا انقلاب کمونیستی یا نابودی بشریت.
۲. در عصر ما، طبقه کارگر تنها طبقه انقلابی است و تنها این طبقه اجتماعی است که میتواند انقلاب کمونیستی را انجام دهد و به بربریت سرمایه‌داری پایان دهد.
۳. بعد از آنکه سرمایه‌داری وارد دوران انحطاط خود شد، اتحادیه‌های کارگری در سراسر جهان تبدیل به ارگانهای نظام سرمایه‌داری شدند. وظیفه اصلی اتحادیه‌ها کنترل طبقه کارگر و منحرف کردن مبارزه طبقاتی کارگران است.
۴. در عصر انحطاط و گندیدگی سرمایه، شرکت در نمایشات انتخاباتی و سیرک پارلمان تنها در جهت تقویت توهمات دمکراسی است. سرمایه‌داری دمکراسی و سرمایه‌داری دیکتاتوری دو روی همان سکه هستند، بربریت سرمایه‌داری.
۵. تمامی جنبشهای ملی ضد انقلابی، بر علیه طبقه کارگر و مبارزه طبقاتی هستند. جنگ آزادیبخش ملی یک نیروی پیاده در اختلافات امپریالیستی است.
۶. علت شکست انقلاب اکتبر، شکست موج انقلاب جهانی، مخصوصاً شکست انقلاب آلمان که منتهی به انزوای انقلاب اکتبر و سپس منجر به انحطاط آن شد.
۷. تمامی احزاب چپ ارتجاعی هستند، استالینیستها، مائوئیستها، تروتسکیستها و آنارشئیستهای رسمی و غیره دستگاه سیاسی سرمایه را نمایندگی می‌کنند.

۸. کلیه دولتهای به اصطلاح "سوسیالیست" یا "کمونیست" که در شوروی، اروپای شرقی، چین، کوبا و غیره بر سر کار آمدند تجلی شکل ویژه از بربریت سرمایه‌داری بوده و هستند، سرمایه‌داری دولتی.

۹. سازمان انقلابی پیشقراول پرولتاریا را تشکیل می‌دهد و یک فاکتور فعال در تکامل و تعمیم آگاهی طبقاتی است. سازمانهای انقلابی تنها میتوانند شکل اقلیت انقلابی به خود بگیرند که وظیفه شان نه سازماندهی طبقه کارگر یا کسب قدرت بجای طبقه کارگر، بلکه رهبری سیاسی - یک قطب نمای سیاسی است، بطوریکه شفافیت سیاسی سازمان انقلابی و نفوذ آن در طبقه کارگر از عناصر اصلی برای انقلاب کمونیستی هستند.

تعلق سیاسی:

مواضع، نظرات و فعالیت گرایش‌های سیاسی پرولتری، محصولی از تجربیات گذشته طبقه کارگر و درس‌هایی که سازمانهای سیاسی طبقه کارگر در طول تاریخ این طبقه کسب کرده اند. لذا صدای انترناسیونالیستی ریشه های خود را در اتحادیه کمونیست‌ها، انترناسیونال اول، جناح چپ انترناسیونال دوم انترناسیونال سوم، مخصوصاً جناح چپ انترناسیونال سوم و فراکسیون‌هایی که در مقابل انحطاط انترناسیونال سوم وظیفه سترگ دفاع از مواضع پرولتری و کمونیستی را بر عهده گرفتند، فراکسیون‌های هلندی - آلمانی و **بویژه فراکسیون چپ کمونیست ایتالیا** میداند و از سنن چپ کمونیست دفاع می‌کند.